مجاهدین خلق! پافشاری بر مشی فاجعه‌بار تاکی؟

ادامه از صفحه اول

آمریکایی‌ها نام برده شده که دو بار آن، نوعی نقل قول از محافل حاکم در ایران، و مورد دیگر، اشاره‌ای گذرا به توافق رهبری مجاهدین با نیروهای مسلح آمریکا مبنی بر خلع سلاح و تسلیم نیروهای مجاهدین است.

رجوی می‌گوید: «از امضاء قرارداد آتش‌بس با نیروهای آمریکائی که در این ایام در رسانه‌ها منعکس گردیده است، استقبال می‌کنیم هرچند از جانب ما هیچ آتشی در کار نبوده و اصولا طرف جنگ نبوده‌ایم». این جمله به گونه‌ای تنظیم شده است که خواننده تصور می‌کند خود رجوی نیز از طریق رسانه‌ها از قرارداد با نیروهای آمریکایی اطلاع یافته است. در مورد نامناسب‌بودن عنوان «آتش‌بس» برای این توافق، رجوی دلیلی آورده است. اما مهمترین دلیل، این است که مضمون توافق، نه آتش‌بس، که تسلیم بلاقید و شرط، خلع سلاح کامل و انتقال همه اعضای مجاهدین به یک محل تحت کنترل نیروهای ایالات متحده است.

رجوی مدعی است در یک ماه گذشته، «برگهای زرینی بر دفتر افتخارات» مجاهدین افزوده شده است. «آن هم در ... بحبوحه بمبارانهای مستمر آگاه ۹۰ و حتی ۱۲۰ بار در یک شب) در جنگی که فرزندان ایران هیچ نقشی حتی به اندازه شلیک یک تیر در آن نداشته‌اند». آقای رجوی معلوم نکرده است که گزوندن سرنوشت هزاران ایرانی به سرنوشت رژیم صدام حسین و قربانی‌شدن در جنگی که «فرزندان ایران» در آن هیچ نقشی نداشته‌اند را چگونه می‌توان «برگ زرین» در «دفتر افتخارات» نامید. مسعود رجوی هنوز لازم نمی‌بیند به بازماندگان قربانیان ایرانی چهار هفته اخیر توضیح دهد که تبدیل بستگان آنان به «صدمات جانبی» جنگی که ربطی به ایرانیان نداشت، چرا باید مایه افتخار باشد. بخش بزرگی از پیام رجوی، بدین اختصاص یافته است که مداخله‌جویی حکومت ایران در عراق، افشا و محکوم شود. هم در این پیام و هم در بیانیه‌های شماره‌داری که این روزها از سوی مجاهدین انتشار می‌یابد، تاکید ویژه‌ای بر دخالتهای حکومت ولایت فقیه در عراق (که بدون تردید وجود دارد) شده است. آنچه در ارتباط با این تاکیدها جلب نظر می‌کند، مسابقه اسفباری است که بین فقهای حاکم در ایران و مجاهدین خلق برای «تازاندن» نیروهای آمریکایی علیه طرف مقابل جریان دارد. حکومت ایران پیوسته خطاب به ایالات متحده می‌گوید اگر در مبارزه با تروریسم جدی هستید، از مجاهدین بیشتر بکشید یا آنها را به ما بدهید تا بکشیم. متقابلا، بخش اعظم فعالیت سیاسی مجاهدین در این روزها متوجه آنست که دخالت و حضور عوامل وابسته یا نزدیک به حکومت ایران در عراق را برجسته کند. اگر اطلاعاتی که مجاهدین می‌دهند درست باشد و مداخله تهران در عراق بدین حد گسترده باشد، ایالات متحده باید قاعدتا علیه این مداخله اقدام نظامی کند. به نظر می‌رسد دقیقا همین هدف، مورد نظر مجاهدین است.

این یک فاجعه است که هر یک از دو نیرو که خود را ایرانی و متعهد به منافع ملی ایران می‌دانند، تمام هم و غمشان این است که بزرگترین نیروی نظامی جهان را به جان دیگری بیاندازد. مسئولیت اصلی این فاجعه بر عهده حکومتی است که در طول متجاوز از دو دهه، بذر خصومت و خشونت میان ایرانیان را پراکنده است. اما مجاهدین نیز با مشی فاجعه‌بار خود، در این مسئولیت شریکند. معلوم نیست آنها تا کی می‌خواهند به این مشی فاجعه‌بار ادامه دهند؟ آیا صدام حسین هم کافی نیست تا مجاهدینی را که مانند هر انسان دیگری از نعمت اندیشه برخوردارند، به فکر بازبینی در مشی خود بیاندازد؟

در سراسر پیام مسعود رجوی از چنین بازبینی خبری نیست. به جای آن، رجوی می‌کوشد احساسات همدردی ایرانیان با مجاهدین را برانگیزد و بدین منظور به وقایعی در گذشته دور اشاره می‌کند: «۳۱ سال پیش در چنین روزی (۳۰ فروردین ۱۳۵۱) فوز عظیم شهادت در کنار مجاهدان خلق علی باکری، ناصر صادق، علی مهبدوست و محمد بازرگانی که با یکدیگر در دادگاه‌های نظامی شاه به اعدام محکوم شده بودیم، از من دریغ شد. در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ نیز برادران و رفیقان هم‌بندم، بیژن جزنی و ۶ یار فدایی او و کاظم ذوالانوار و مصطفی خوشدل پیشی گرفتند». شاید هدف رجوی این باشد که با اشاره به نام جزنی و فدائیان، فحاشی‌ها و نسبتهای ناجوانمردانه‌اش به نزدیکترین دوستان و رفقای جزنی در جریانات مختلف جنبش فدائی را جبران کند. اگر چنین باشد، آقای رجوی باید بداند توسل به نوستالژی همراهی و همرزمی فدائیان و مجاهدین در دهه ۵۰ برای احیای مناسبات تخریب‌شده، کافی نیست. هرگاه مجاهدین نیز به بازبینی مشی خود بپردازند و سیاستی را در پیش گیرند که به جای آب ریختن به آسیاب خامنه‌ای، در راستای منزوی‌کردن و خلع ید از ولایت فقیه و برکناری نظام مستبدی بر ولایت فقیه و برقراری دمکراسی بدون رهبر و کیش شخصیت در ایران باشد، خود را بار دیگر در کنار بخش اعظم جنبش دمکراتیک خواهند یافت. گام نخست در این راه، این است که مجاهدین به روند دشمن‌تراشی برای خود که ۲۲ سال است ادامه دارد و حتی نیروهای دارای حسن نیت نسبت به ایرانیان آزادیخواه مانند اتحادیه میهنی کردستان را به دشمنی با مجاهدین کشانده است، خاتمه دهند. ما از مجاهدین دعوت می‌کنیم به نامه آقای جلال طالبانی پاسخ دهند و روشن سازند که نقش سازمان مجاهدین در وقایع سال ۱۹۹۱ عراق چه بوده است. اگر ادعای طالبانی و ستاد فرماندهی آمریکا مبنی بر اینکه مجاهدین در سرکوب قیام کردها و شیعیان در سال ۱۹۹۱ دخالت داشته‌اند، درست است، مجاهدین می‌توانند با انتقاد از خود نشان دهند که از گذشته درس گرفته‌اند. اما اگر رجوی راست می‌گوید که «در خاک عراق با هیچ گروه و جریانی اعم از شیعه و سنی و کرد و عرب سر دعوا و ناسازگاری نداشته است»، مجاهدین باید به صدای بلند بگویند آمریکایی‌ها حقیقت را نمی‌گویند و هیچ مجاهدی در کنار بعثی‌های عراق به سوی کردها و شیعیان، گلوله‌ای شلیک نکرده‌است.

به نظر می‌رسد از مسعود رجوی نباید انتظار داشت شهامت برخورد انتقادی به گذشته را از خود نشان دهد. چرا که او کماکان مدعی است مجاهدین «از آزمایش استقلال و اصالت ... سرفراز بیرون آمدند». اما اگر رجوی در بند ۲۲ سال مشی فاجعه‌باری که خود مسئول آنست گرفتار است، چرا هزاران مجاهد دیگر، از رهبران خود نمی‌پرسند چرا به توصیه تقریبا همه آزادیخواهان عمل نکردند و برای همین توافقی که امروز با آمریکایی‌ها امضا کرده‌اند. قبل از جنگ نکوشیدند؟ مسئولیت مرگ به کلی بیهوده و زائد دهها مجاهد در جنگ عراق با کیست؟ مرگ اینان چه گرهی از مبارزه علیه رژیم فقها گشوده است؟ این قربانی‌شدن بی‌سرانجام اعضای سازمان مجاهدین بر اثر خطاهای رهبری آنها تا کی باید ادامه یابد؟

اگر رجوی راست می‌گوید و «انتخابات آزاد مورسان و ریاست جمهوری بر اساس اصل حاکمیت مردم تحت نظر ملل متحد» هدف اوست، باید پاسخ دهد که در یک دهه و نیم اخیر، حضور نظامی مجاهدین در عراق، تحت کنترل رژیمی که نفرت مردم ایران و عراق از آن دیگر بر کسی پوشیده نمانده است، مردم ایران را به هدف نامبرده نزدیک یا از آن دور کرده است.

رجوی می‌گوید «مجاهدین نه در عراق بدنیا آمده‌اند و نه در عراق پایان می‌پذیرند». درست به همین دلیل که مجاهدین در عراق به دنیا نیامده‌اند، خطای رجوی که سازمان خود را زیر سایه صدام برد و قربانی جنگی کرد که ربطی به ایرانیان نداشت، ابعاد فاجعه‌بارتری می‌یابد. اگر مجاهدین می‌خواهند در عراق پایان نپذیرند، باید بکوشند دریابند که چه شد که یک نیروی سیاسی دارای ریشه در مبارزات ضد دیکتاتوری در ایران، به زائده دیکتاتوری در عراق تبدیل و شریک سرنوشت حکومتی شد که جنایاتش علیه مردم عراق و ایران اگر بیش از قساوتهای فقها نباشد، به طور قطع کمتر نیست. پایان غم‌انگیز «لاتش آز اندیبخش»، اگر چه با فاجعه کشتار شماری از فرزندان ایران همراه شد، این فرصت را فراهم آورده است که مجاهدین به ریشه‌ها و عواقب سیاستهای خود در دو دهه اخیر بیاندیشند. به طور قطع می‌توان گفت که اگر تا کنون دیر نشده باشد، این آخرین فرصت است.

مرضیه....

ادامه از صفحه اول

بدون تردید، همه دوستداران مرضیه، از هیچ کمکی به خواننده محبوب خود دریغ نکرده، با آغوش باز از او استقبال خواهند کرد. اگر مرضیه هنوز هم به علت حاکمیت فقهای ضد هنر و ضد زن، نمی‌تواند در ایران بخواند، لااقل جای او در میان انبوه ایرانیان تبعیدی است که با صدای گرم او زندگی گردانند و می‌کنند. دوستداران مرضیه در هر کشوری که مرضیه بخواهد از اردن به آنجا رود، از دولت و محافل دمکرات کشور محل اقامت خود خواهند خواست همه امکانات و تسهیلات برای اقامت خواننده محبوب ایرانیان فراهم شود.

تشدید نقض حقوق بشر در ایران در سایه جنگ عراق

ادامه از صفحه اول

ادامه فشار بر دانشجویان

۲۸ فروردین ۱۳۸۲، کوروش صحت و امیرعباس فخرآور که به جرم سخنرانی و فعالیت سیاسی دستگیر شده بودند و در بند قاتلان زندان قصر زندانی بودند، به ترتیب به ۶ و ۷ سال زندان محکوم شدند. و به بند زندانیان مالی زندان اوین انتقال پیدا کردند.

پس از گذشت یک هفته، مادر امیرعباس فخرآور در نامه‌های مجزایی خطاب به رینس جمهوری و رئیس قوه قضاییه از تهدید فرزندش در زندان خبر داد.

در فروردین ماه در یزد نیز تعدادی از دانشجویان به جرم ابراز عقیده بازجویی و زندانی شدند. چهار تن از دانشجویان دانشگاه خواجه‌نصیر طوسی به جرم قلم‌زدن در یک نشریه دانشجویی به دادگاه احضار شدند.

یکی از فعالان دانشجویی دانشگاه آزاد شهر کرد از سوی کمیته انضباطی این دانشگاه به تبعید محکوم شد.

ادامه فشار بر نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان

علیرضا جباری، نویسنده و مترجم، در چهارم اردیبهشت ۱۳۸۲، توسط شعبه ۱۶۱۰ مجتمع ویژه فرودگاه مهرآباد به ۲۵۳ ضربه شلاق، ۴ سال حبس و ۶ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شد. این دادگاه همان دادگاهی است که به پرونده سیامک پورزند رسیدگی می‌کرد.

احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار و محقق سیاسی در پی ۷ ماه اسارت قبلی خود مجددا زندانی شد و پس از چند روز به سربردن در بند قرنطینه به بخش زندانیان مالی فرستاده شد. زیدآبادی بر خلاف سایر زندانیان این بند، برای ارتباط تلفنی با خارج باید تقاضا بنویسد و مکالمه تلفنی او هم باید در حضور ماموران زندان باشد. لازم به یادآوری است که این روزنامه‌نگار به ۵ سال محرومیت از کلیه حقوق اجتماعی محکوم شده است.

گوهر خیراندیش بازیگر معروف سینما و تئاتر ایران بر اساس ماده ۶۳۷ و ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. مقامات قوه قضاییه با یکاربردن جملاتی چون «با اظهار ندامت نامبرده و تنبه وی به حالت تعلیق در آمده است» بخش دیگری از سیاست شکنجه روانی که هدفی جز تحقیر شخصیت زندانی و به نقطه صفر رساندن زندانی را ندارد به نمایش می‌گذارد غافل از اینکه اینگونه بیانات همزمان ضعف و زبونی شکنجه‌گر را از مقاومت زندانی و ناتوانی او را نیز در مقابله با شرایط زمانه نشان می‌دهد. جرم گوهر خیراندیش بوسمزدن بر گونه کارگردانی جوان، هنگام اهدای جوایز در جشنواره حقیقت در یزد در سال گذشته می‌باشد. این کارگردان جوان در ضمن پسرخوانده او نیز هست.

جلسه رسیدگی به پرونده بنفشه سام‌گیس خبرنگار سابق روزنامه ایران به ریاست قاضی مرتضوی تشکیل شد. سال گذشته در جلسه تفهیم اتهام، اتهام او «توهین به مقدسات» اعلام شده بود.

سینا مطلبی، منتقد سینما، وبلاگ‌نویس و مدیر فنی انجمن کاربران اینترنت، پس از احضار به اداره اماکن به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق اقدامات هنری» بازداشت گردید. او در چند ماه گذشته چندین بار توسط قوه قضاییه احضار شده بود. دو روز پس از بازداشت، ماموران همراه با او برای بازرسی به خانه او می‌آیند. این در حالیست که او تمام مطالب و نوشته‌های خود را برده بود. پرونده او هم در شعبه ۱۶۱۰ فرودگاه مهرآباد رسیدگی می‌شود. سازمان گزارشگران بدون مرز به این دستگیری اعتراض کرده. خواهان آزادی فوری سینا مطلبی شد. روبرت مئنارد دبیر اول این سازمان جمهوری اسلامی برای این دستگیریهای خودسرانه، دیر یا زود باید حساب پس بدهد». سینا مطلبی در پی توقیف روزنامه حیات نو و دستگیری علیرضا اشراقی و موج دستگیری روزنامه‌نگاران سیمایی در وب‌لاگش به دفاع از همکاران زندانی خود پرداخته بود. انتقاد از سکوت بخشی از اصلاح‌طلبان در رابطه با این دستگیریها و تلاشهایش در باره خودسرانه و غیرقانونی‌بودن دستگیریها توسط قوه قضاییه خشم بسیاری را برانگیخته بود.

این سازمان ضمن درخواست آزادی فوری سینا مطلبی، به احضار و بازجویی روزنامه‌نگاران ایرانی در هفته‌های اخیر اعتراض کرد و در این رابطه از جمله از معصومه علی‌نژاد روزنامه‌نگار همبستگی، محمد نعیمی‌پور مدیر مسئول روزنامه پاس نو، رضا منصرف مدیر مسئول دوهفته نامه ماکو، سجادی سردبیر روزنامه توسعه، میردامادی مدیر مسئول روزنامه توقیف‌شده نوروز نام برده شده. در حال حاضر به صورت رسمی ۱۱ روزنامه‌نگار در زندان هستند.

بهزاد خورشیدی روزنامه‌نگار و کاریکاتوریست جوان که در ایام عید دستگیر شده است. او چند روز پیش از عید به نزد آقای جداری فروغی رفته و از او درخواست وکالت کرده و به ایشان وکالت‌نامه داده و نامه‌ای هم به ایشان دادند.

ادامه فشار بر وکلا

عبدالفتاح سلطانی و محمدعلی دادخواه وکلای پرونده ملی مذهبی‌ها و ناصر زرافشان وکیل قربانیان قتلهای زنجیره‌ای پس از تعطیلات نوروزی به زندان بازگردانده شدند. بر مبنای ابلاغ ویژه‌ای که صادر شده، قرار شد که پرونده ناصر زرافشان توسط سازمان قضایی رسیدگی شود. ناصر زرافشان در این رابطه و قبل از بازگشت به زندان در مصاحبه با رادیو آلمان ضمن تشکر از همه نهادها و افرادی که برای آزادی او تلاش کرده‌اند در رابطه با غیر قانونی‌بودن بازداشت خود چنین گفت: «اگر بخواهم خیلی صریح و عامیانه عرض کنم، هر آدم باسوادی که فقط خواندن و نوشتن بلد باشد، می‌تواند معنای اصل ۱۷۲ قانون اساسی را درک کند. محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردند. ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. این اصل کافی است که یک دیپلمه که هوش متوسط دارد آنرا بخواند تا معنای آنرا کاملا بفهمد. به این ترتیب نه برای رسیدگی به پرونده اصلی قتلهای زنجیره‌ای و نه برای رسیدگی به پرونده بنده که یک وکیل دادگستری هستم، هیچگونه صلاحیتی سازمان قضایی نیروهای مسلح نداشته و ندارد. این مطلب کاملا روشن است. حالا دستور ویژه داده شده است برای اینکه به پرونده اصلی سازمان قضایی رسیدگی کند. ابلاغ ویژه صادر شده است برای اینکه به پرونده بنده سازمان قضایی رسیدگی کند. این «ویژه‌ها» همه خلاف قانونند. همه قانون‌شکنی‌اند. و از این بابت موضع بنده همان موضعی است که دو سال پیش بوده، سه سال پیش بوده، یک سال پیش بوده و تغییری نکرده و تغییر نخواهد کرد».

آقای جداری فروغی روز چهارشنبه ۱۹ فروردین توسط افراد ناشناسی مورد تهدید قرار گرفته، و این افراد یک بار هم در زمانی که او حضور نداشته به دفتر کارش مراجعه کرده‌اند.

وکیل پایه یک دادگستری عین‌الله فرج‌پور در ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه ۱۴ اسفند ماه با سلاح گرم مورد حمله قرار گرفته و با شلیک دو گلوله زخمی شده است. همچنین نعمت احمدی در رابطه با شکایت یک شاکی خصوصی در زندان اوین به سر می‌برد که در پی تلاشهای هیئت مدیره کانون وکلا و تعدادی از وکلای دادگستری قرار شد با پرداختن وثیقه آزاد شوند

فشار بر نمایندگان مجلس

علی‌اکبر موسوی خوئینی نماینده مجلس که مامور رسیدگی به مسائل زندانهاست به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران احضار شد. شاکی قانونی اداره بازرسی ستاد مشترک سپاه می‌باشد. موضوع شکایت مصاحبه‌ای است که موسوی خوئینی‌ها در مرداد ۸۱ در رابطه با زندانها و بازداشتگاهها بود. در زمان نامعلوم‌بودن محل بازداشت گرانپایه و قاضیان در پی تحقیقات خوئینی مشخص شد که آنها در زندان اوین زندانی هستند. قاضی مرتضوی ریاست دادگاه را به عهده دارد. فاطمه حقیقت جو گفت که ما به دلیل اصل مصونیت نمایندگان و شائبه نقض بیطرفی دادگاه و موضوع دادگاه از موسوی خوئینی خواستایم در دادگاه حاضر نشود.

وضعیت پرونده نظرسنجی

حسین قاضیان و عباس عبدی متهمان پرونده نظرسنجی، در دادگاه تجدید نظر هر کدام به ۴ سال حبس محکوم شدند. احکام اولیه آنها به ترتیب ۹ و ۸ سال بوده است. اتهامات رسمی مطرح شده علیه آنها انجام مذاکرات مخفیانه و فروش اطلاعات محرمانه به موسسه‌ها و اشخاصی بوده که با سازمانهای جاسوسی آمریکا انگلیس و اسرائیل ارتباط داشته‌اند بوده است. طبق نتایج این نظرسنجی ۷۴٪ از مردم تهران موافق مذاکره با آمریکا بودهاند.

ادامه اعدامها در سال ۸۲

در روزهای آخر فروردین ۱۳۸۲، ۵ متهم به قتل در زندان قصر به دار آویخته شدند. روزنامه اعتماد بدون هیچگونه توضیحی فقط اسامی اعدام‌شدگان را اعلام کرد.

پرونده قاضی مرتضوی

در پی شایع شدن بورسیه‌شدن قاضی مرتضوی، رکوردار سرکوب آزادی بیان و اندیشه در ایران و جهان، عده‌ای از دانشجویان دانشگاههای ایران طی نامه‌ای به وزیر علوم دولت کانادا پذیرش مرتضوی را به عنوان دانشجو در آن کشور را به عنوان توهین به مردم ایران و آزادی فرهنگ و اندیشه قلمداد کرده‌اند. قاضی مرتضوی ضمن تکذیب خبر و تهدید به برخورد با سایتهای اینترنتی گفت که در یکی از دانشگاههای فرانسه در رشته دکترای حقوق قبول شده است. او از بیم سرازیرشدن نامه‌های اعتراضی به دانشگاه مربوطه تمام دانشگاه را اعلام نکرد. ولی به نقل از ایسنا این دانشگاه، دانشگاه سوربن فرانسه است.

در حاشیه برگزاری ۵۹ امین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

۱۸ آپریل ۲۰۰۳، در پی برگزاری این نشست در ژنو، رئیس کمیته حقوق بشر پارلمان آلمان در مصاحبه‌ای با هشدار در رابطه با خطر بی‌محتوی و از درون تهی‌شدن کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، گفت امکان آنکه کمیسیون خود جلوی پیشرفت کارهای خود را بگیرد بسیار است، زیرا تعداد زیادی از کشورهای عضو این کمیسیون خود پایمال‌کنندگان حقوق بشر هستند. او گفت که در سایه جنگ عراق بسیاری از کشورها حقوق بشر را نقض کرده‌اند. او با ابراز نگرانی از نقض حقوق بشر در افغانستان، با تاکید بر اصل برابری انسانها و چهانشمولی حقوق بشر خواستار آن شد که گفتگوهای کارساز و سرختانه‌ای با کشورهای اسلامی، که اعمالی با تکیه به قوانین شرع انجام می‌دهند و حقوق بشر را نقض می‌کنند، صورت گیرد.

لازم به یادآوری است که امسال لیبی به نمایندگی کشورهای آفریقایی ریاست دوره‌ای این کمیسیون را به عهده دارد، آمریکا دو سال است که در کمیسیون نماینده‌ای ندارد و به طبع سیاستهای آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر بلوک کشورهای آسیایی آفریقایی بیشتر سیاسی عمل کرده‌اند. و در همین رابطه نظارت این کمیسیون بر جمهوری اسلامی ایران در پناه سیاستهای به ظاهر ضدآمریکایی با اختلاف یک رای حذف شد.

توضیح

شماره آینده نشریه کار، شماره ۳۰۳، بعلت برگزاری جلسات تدارکاتی کنگره فوق‌العاده با دو هفته تاخیر منتشر خواهد شد.

کمک مالی

تقدیم به خاطره مادر رفیق طهماسب ۵۰۰ لرو